

رود هیرمند

بقلم آقای مهندس محمد علی مخبر

هیرمند که از رود های شرقی نجد ایرانست بطول ۱۱۰۰ کیلومتر از سلسله کوه مشهور به «بابا» واقع در شصت کیلومتری مغرب کابل و نزدیک باهیان سرچشمه قرار گرفته از شمال شرقی بطرف جنوب غربی جاری شده و از نواحی هزارجات و زمین داور ۲ عبور میکند و از طرفین رودخانه های متعدد مانند اورزگان ، موسی قلعه و غیره بآن ملحق گردیده از کنار کرشک ، بین راه هرات بقندهار ، میگذرد و در نزدیک قلعه بست برود ارغنداب ۳ که از نواحی قندهار جاریست و مرکب از شعبه هائی باسامی ترنک ارغستان ، دری وغیره میباشد می پیوندد .

از قلعه بست رود هیرمند در همان جهت جنوب غربی سیر کرده از اراضی رودبار

۱- اسم این رود را جغرافی نویسان اسلامی مختلف ضبط کرده اند ، یاقوت حموی ، هند مند نوشته است (معجم البلدان جلد هشتم ص ۴۸۲) ، در تاریخ افغانستان تألیف اعتضاد السلطنه مینویسد : « در قدیم هیرمند را هند منت میگفتند چنانکه صاحب مرصد ضبط کرده و در نقشه های فرنگی عموماً هلند نوشته میشود و لکن صحیح آن هیرمند است چه در تاریخ سیستان (بتصحیح استاد محترم آقای ملک الشعراء بهار) که از لحاظ ضبط اسامی جغرافیائی سیستان کتابی قابل اعتماد و معتبر میباشد مکرر با همین املاء آمده است .

۲- « کورسیستان : اسفزار ، جبل نیه ، سر دره هند قانان ، قراه ، اوق ، خواش ، فلاذ ، فشنج نوزاد ، بست ، زمین داور ، رخج ، کش ، رودبار ، زابل ، کابل ، ص ۲۸ تاریخ سیستان » .

۳- « در نزدیکی بست رود ارغنداب به هلند میریزد . صفحه ارغنداب و شعب آن که همان آراخزیای قدیم است همیشه دارای اهمیت تجارتمی و سوق الجیشی بوده چه در رشته راهی که از آسیای غربی به هندوستان میرود در همین جا بهم متصل میشود . ص ۱۲۵ و ۱۲۶ تذکره جغرافیای تاریخی ایران تألیف استاد بارتولد ، ترجمه آقای حبه سردادور » .

گذشته به بندکمال خان ۱ میرسد و از این نقطه دفعه جریان خود را بسمت شمال تغییر داده به بندکوهک میرود و از بندکوهک تا مقابل ده حسن خروت وسط المیاء شعبه اصلی رود هیرمند مطابق تحدید حدود سیستان (۱۹۰۵ میلادی مطابق ۱۳۲۱ هجری) سرحد بین ایران و افغانستان و بشرحی که خواهد آمد نهرهای متعدد از رود هیرمند بداخل خاک ایران جاری شده پس از مشروب ساختن اراضی سیستان مازاد آب آنها بدریاچه هامون میریزد.

هیرمند از رود های بالنسبه پر آب و عظیم است بطوریکه در ایام بهار عرضش به ۹۰۰ متر میرسد و در سایر فصول نیز کمتر از ۳۰۰ متر نمیشود بخصوص در نواحی جنوبی که پس از اتصال برود ارغنداب رود بزرگی را تشکیل داده قابل کشتی رانی می گردد.

از قدیم عمران و آبادی سیستان خصوصاً قسمت جنوب سیستان که «نیمروز» خوانده میشده و هنوز خرابه های ترقو (در نقشه ما کماهن) مرکز نیمروز ۲ باقی است بسته بوجود این رود بوده و در سالهایی که آب هیرمند کم میشده یا بکلی خشک میگردد مردم این دیار سخت در فشار بوده اند. در تاریخ سیستان مذکور است که: «اندر سنه عشرين و هایتی (مائین) آب هیرمند خشک گشت از بست، و قحطی صعب پدید آمد اندر ولایت سیستان و بست و مرگی بسیار بود، چنانکه تجار و بزرگان و خداوندان نعمت بسیار بمردند و یکسال بماند همچنان تا اول سنه احدی و عشرين و هایتی و مردمان اندرین سال بسیار مال ضعا را بدادند، ص ۱۸۶».

سر پرسی سایکس که در سال ۱۸۹۹ میلادی برای تأسیس کنسولگری انگلستان بسیستان سفر کرده تحقیقات تاریخی و جغرافیائی هفیدی در باب سیستان نموده است که

- ۱- در نقشه های سابق بندرکمال خان ثبت شده ولی اکنون بهمان «بندکمال خان» شهرت دارد.
- ۲- «هرچه حد شمالست باختر گویند و هرچه حد جنوبست نیمروز گویند و میانه اندر بدو قسمت شود و هرچه حد شرقست خراسان گویند و هرچه مغربست ایران شهر ص ۲۴ و ۲۵ تاریخ سیستان» و در ذیل صفحه ۳۰۸ این کتاب بطوریکه آقای بهار مرقوم فرموده اند «زابلستان نام مملکت نیمروز و عبارت از سیستان و زمین داور و طوران و غزنه و قندهار تا کابل است».



نقل قسمتی از آن مربوط برود هیرمند خالی از فایده نخواهد بود: «اصطخری مینویسد که رودخانه هیرمند بدریاچه زره میریزد و طول دریاچه را در حدود سی فرسخ یا عبارۀ آخری یکصد میل برآورد کرده است ۱.

قبل از امیر تیمور رود هیرمند را بسمت جنوب غربی رود بار سد بندی کرده بودند و سد مزبور تا محلی که فعلاً بندر کمال خان نامیده میشود بوسیله بند اوك یا ا کوه ۲ که در نقشه کنلی بند بر مکه ثبت شده امتداد داشته (مجله انجمن آسیائی بنکال شماره نهم صفحه ۷۲۴، ۱۸۴۰) و از بند ا کوه رود در نتیجه «حوض دار» که ترعه وسیع و عمیقی است احداث گردیده بود و ناحیه جنوب سیستان کنونی را مشروب میکرد یعنی همان محلی که سیاحان ایام حاضر از کنار آثار خرابه های شهرهای بزرگ آن میگذرند و مهمتر از همه آنها «حوضدار» بوده که میگویند فرامرز پسر رستم در آنجا با بهمن زد و خورد کرد. رود اصلی بسمت شمال غربی از شهرستان وزاهدان ۳ گذشته و تا چند میل از

۱. صاحب معجم البلدان هم همینطور از قول اصطخری نقل میکند و نیز در کتاب حدود العالم من الشرق الى الغرب (بتصحیح و اهتمام آقای سید جلال الدین طهرانی) مینویسد «۰۰۰ و دیگر رود هیرمند است؛ از حدکوزگانان بکشاید از نزدیک غور بر درغش وتل و بست بگذرد و از کرد سستان اندر آید و بعضی بکار شود و بعضی بدریای زره افتد» ۰ از مجموع این اقوال چنین مستفاد میشود که سابقاً رود هیرمند به (گود زره) حالیه که دریاچه است تقریباً بطول یکصد و بعرض ۲۵ تا ۴۰ کیلومتر واقع در جنوب رود مزبور میریخته و برور دهور تغییر مسیر داده داخل دریاچه هامون شده است ۰
۲. بند یاسدی باین نام روی نقشه هایی که در دسترس نگارنده است نشان داده نشده، احتمال دارد در ترجمه این اسم هم تعریفی رخ داده باشد و متأسفانه نسخه انگلیسی کتاب را هم فعلاً موجود ندارم رجوع شود بکتاب هشت سال در ایران تألیف سرریسی سایکس، ترجمه آقای حسین سعادت نوری
۳. شهر زاهدان فعلی که جزء بلوچستان ایرانست نام اصلیش «دزد آب» بوده و تا شهر زابل (نصرت آباد سابق) ۱۵۹ کیلومتر یاقریب بیست و شش فرسنگ و نیم فاصله دارد ولی محل شهر زاهدان حقیقی نزدیک قاسم آباد و میان شهر زابل و قریه جهان آباد بوده که هنوز خرابه های آن باقیست و در هجوم امیر تیمور این شهر و شهر تاریخی «زرنگ» ویران گردیده است بطوریکه نگارنده در سال ۱۳۱۷ شمسی که بمأموریت مرزی در سیستان بودم از ساکنین محل شنیده شد و با قول استاد بارتولد (ص ۱۲۰ کتاب جغرافیای تاریخی ایران) هم تطبیق میکند بفاصله تقریباً سه کیلومتر در بین رود هیرمند نزدیک قلعه ناد علی که اکنون جزء خاک افغانستان است دو تپه بنام «سوردک» و «سفیدک» میباشد که محل شهر زرنگ در آنجا بوده است ۰

کنار دهات آباد جریان داشته وضع طبیعی این نقطه قبل از استیلای تاتار بشرح فوق بوده ولی وقتی سد بزرگ محل را بامر شاهرخ خراب کردند ناحیه حوضدار بی آب شد و با اینکه رود نورو بحال خود باقی بود ترعه جدیدی نزدیک سد فعلی ایجاد گردید که محصور به سه کوهه میباشد.

اکنون نقشه ای از سیستان موجود است که در سال ۱۲۹۰ هجری ذوالفقار نام مهندس بدستور وکیل الملك کرمانی هنگام توقف در سیستان برداشته است و روی رود هیرمند در خاک رودبار محل سد قدیمی را چنین توصیف میکند: «پوزه باشی که بند کرشاسبی در برابر این نقطه بسته شده بود».

بظن نگارنده باید منظور از این سد کرشاسبی همان سد معروف به «بند رستم» باشد که بگفته سایکس بامر شاهرخ ویران گردیده است و نکته جالب توجه نقشه مزبور اینست که حدود سیستان آن روزی را (سال ۱۲۹۰ هجری) که در تصرف دولت ایران بوده روی آن نشان داده شده و حتی اسامی حکام جزء و خوانین محلی را باحوزه حکومت آنان ذکر میکند یعنی در حقیقت خط استاتوکو را معلوم مینماید و بالأخره بامر اجمه بان نقشه و تحدید حدودیکه کلنل ما کماهن ۱ در سال ۱۹۰۵ میلادی مطابق ۱۳۲۳ هجری یعنی سی و یکسال بعد از آن تاریخ کرده است درجه انصاف کشی و قضاوت غیر عادلانه حکم مزبور را بخوبی آشکار میسازد ۲.

بهر حال پس از خراب شدن سد فوق که وضع بنا و نوع ساختمان آن هم فعلاً بر ما معلوم نیست تا جائیکه بر نگارنده معلوم گردیده سدی که مطابق اصول دقیق فنی باشد بر روی رود هیرمند بسته نشده و بند هائی از قبیل بند کمال خان و بند کوهک و غیره که هم اکنون موجود است فقط باشاخه های گز و خاک میباشد که بمنظور برگردانیدن آب در آنها روی رود هیرمند بسته میشود و چون تاکنون متأسفانه با تمام پیشنهادها و نظریاتی که از طرف مأمورین فنی و اولیاء امور وقت داده شده در سیستان سد بندی و پل سازی نشده است علاوه بر خساراتی که از نبودن سدهای اساسی و جاده های «شوسه» متوجه کشاورزان سیستان میشود در ایام بهار که هنگام فیضان رود هیرمند است عبور و مرور

۱ - Col. Sir Henry Mac Mahon . ۲ - برای شرح تحدید حدود

سیستان بکتاب «مرزهای ایران» تألیف نگارنده این مقاله رجوع فرمایند .

در آن نواحی مشکل است و تنها وسیله گذر کردن از رود مزبور و انهار منشعبه از آن قایقهای مخصوصی بنام «توتین» میباشد که وصف آن برای کسانیکه ندیده اند شنیدنی است. توتین را با شاخه های گزی یا نی که در اطراف دریاچه هامون میروید میسازند و تقریباً شبیه بحصیرلبه دار است که بر سطح آب گسترده روی آن می نشینند و توتین بان هم با چوبی که بمنزله یاروی قایق رانیت توتین را که هر آن بیم واژگون گردیدن و غرق شدن مسافرن واژگون بخت آنست بالاخره بساحل نجات میرساند!

موضوع تقسیم آب هیرمند

تقسیم آب هیرمند چنانکه کلنل ما کماهن هم در ضمن قرارداد سرحدی سیستان متذکر شده از سابق مورد اختلاف و گفتگوی ساکنین ساحل یمین و یسار رود هیرمند بوده که هر طرفی میخواسته نسبت به سهم آب طرف دیگر تجاوز یا اجحاف کند و چون تا پیش از تحدید حدود سیستان اراضی طرفین رود هیرمند مخصوصاً تامساحت زیادی در مشرق رودبار سابق الذکر در تصرف و ملک ایران بوده بنا بر این موضوع اختلاف در طریقه تقسیم و تعیین سهم آب هر دو طرف جنبه داخلی و محلی داشته است و لکن پس از تحدید حدود که متأسفانه بیش از چند برابر خاک سیستان حالیه جزء متصرفات افغانستان قرار گرفت مسأله اختلاف آب مابین رعایای دو کشور همسایه پیش آمد و از طرفی حکم مزبور در تقسیم آب هیرمند هم میخواست مانند تقسیم خاک سیستان بمثل معروف از کیسه خلیفه بیخشد و باز همینقدر جای خوشبختی است که دولت ایران در همان اوقات نسبت باینموضوع اعتراض داده و طرح پیشنهاد های کلنل ما کماهن را راجع بتقسیم آب هیرمند نپذیرفته است و از آن تاریخ ببعدهم قراردادی در باب تقسیم آب و سد بندی روی رود هیرمند ما بین دولتین ایران و افغان بسته نشده است و ایرانیان معمولاً بوسیله همان سدهای گزی که در مقسم های آب بسته میشود از رود هیرمند استفاده آبیاری کرده اند.

در ششم بهمن ماه (دلو) ۱۳۱۷ شمسی قراردادی در تحت شانزده ماده بضمیمه يك اعلامیه مشترك در باب تقسیم آب هیرمند بین دولتین ایران و افغانستان طرح گردید که فعلاً از شرح آن خود داری میشود و همینقدر باید گفت که شایعه احوادث نهر یا

بستن سد روی رود هیرمند از طرف دولت دوست و همسایه ما افغانستان گذشته از اینکه مخالف قرار داد بین المللی در باب آبهای سرحدی است بموجب قرار دادهای سابق و لاحق نیز دولت افغانستان نمیتواند علاوه بر انهاریکه جاری بوده و هست نهر دیگری احداث و حتی تعمیر نماید.

در خاتمه برای مزید اطلاع خوانندگان گرامی وضع کنونی رود هیرمند را از محلیکه وارد خط سرحدی میشود باضمام نهر های منشعب از رود مزبور که بمصرف شرب اراضی سیستان امروزی میرسد شرح میدهد :

چنانکه قبلاً گفته شد رود هیرمند مطابق تحدید حدود ما کماهن در کؤ هك بدو شعبه منقسم گردیده يك شعبه بنام رود سیستان داخل خاک ایران میشود و آن نیز بشاه نهرها و عدهای انهار کوچک تجزیه شده پس از مشروب ساختن بلوك پشت آب و شیب آب و قسمتی از اراضی دهستانهای شهرکی و ناروئی مازاد آب آنها بدرناچه هامون میریزد شعبه دیگر رود هیرمند از بند کوهك تقریباً بطول ۱۳ کیلومتر در امتداد خط سرحدی سیر کرده به بند پریان میرسد و در این نقطه مجدداً دو شعبه میشود، شعبه اول باسم رود پریان داخل خاک ایران میگردد و شعبه دوم بنام مجرای ناد علی وسط المیاه آن خط سرحدی است و دو نهر بنام میلک و شاه نهر کلمیر (قراء ملیک و کلمیر جزء بلوك میانکنگی و از توابع شهرستان زابل است) از آن جدا گردیده بخاک ایران می آیند از حوالی قلعه ناد علی و خرابه برج آس بیعد مجرای ناد علی موسوم به نهر سیخ سر میشود و در این حدود نیز نهر ده دوست محمد خان (ده دوست محمد خان مرکز بلوك میانکنگی) و نهر خشک از نهر سیخ سر بداخل خاک ایران جاریست. نهر سیخ سر تا مقابل ده حسن خروت سر حد است و بالاخره خط مرزی از نهر مزبور خارج شده وارد دشت میشود.

علاوه بر انهار فوق نهرهای دیگری از قبیل نهر جهان آباد، محبت، کد خدا حسین دل مراد، صدیق، کر شاه، مختار، آخوند زاده، سابقاً از نهر سیخ سر بقرای مجاور مرز ایران می آمده و این اوقات خشک است و فقط در ایام بهار مختصر آبی در آنها جریان پیدا میکند.